220690 ـ هدایت از سوی خداوند است و اسباب آن از بندگان

سوال

چگونه می‌توان میان این سخن الله متعال که می‌فرماید: وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تُؤْمِنَ إِلاَّ بِإِذْنِ اللّهِ و این فرمودۀ پروردگار که اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ جمع بست؟ من بسیار تلاش می‌کنم بر همان فطرتی باشم که خداوند ما را بر آن سرشته و از او اطاعت کنم و به هر آن‌چه گفته ایمان بیاورم اما وسوسه‌هایی از سوی شیطان کم کم به دلم راه یافته. امیدوارم پاسخ دهید.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

توفیق و هدایت به دست الله عزوجل است. هر کس که خداوند بخواهد هدایتش می‌کند و هر کس که بخواهد گمراه شود، گمراه می‌شود. الله تعالی می‌فرماید:

ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَن يُضْلِلْ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

[زمر: ۲۳]

(این است هدایت الله، هر که را بخواهد به آن هدایت می‌کند و هر که را الله گمراه کند او را راهبری نیست)

و می‌فرماید:

مَن يَشَإِ اللّهُ يُضْلِلْهُ وَمَن يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

[انعام: ۳۹]

(هر که را الله بخواهد گمراه می‌گرداند و هر که را بخواهد بر راه راست قرارش می‌دهد)

و می‌فرماید:

مَن يَهْدِ اللّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَن يُضْلِلْ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

[اعراف: ۱۷۸]

(هر که را الله هدایت کند او راه یافته است و کسانی را که گمراه نماید آنان خود زیان‌کارانند).

مسلمان نیز در هر نمازش می‌گوید:

اهدِنَا الصِّرَاطَ المُستَقِيمَ

[فاتحه: ۶]

(ما را به راه راست هدایت فرما).

زیرا می‌داند که هدایت به دست الله تعالی است اما با این حال از بنده خواسته شده که اسباب هدایت را رعایت کند و در این راه صبر و پایداری بورزد و راه استقامت را در پی گیرد زیرا خداوند به او عقلی روشنگر و اراده‌ای آزاد عطا کرده است تا با آن خیر و شر را برگزیند و هدایت را از گمراهی تشخیص دهد. بنابراین اگر اسباب هدایت را به کار گیرد و تلاش کند تا خداوند هدایت کامل را روزی‌اش گرداند، توفیق الهی را حاصل خواهد کرد. الله تعالی می‌فرماید:

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولواْ أَهَؤُلاء مَنَّ اللّهُ عَلَيْهِم مِّن بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ

[انعام: ۵۳]

(و بدین‌گونه ما برخی از آنان را به برخی دیگر آزمودیم تا بگویند آیا اینانند که از میان ما الله بر ایشان منت نهاده است؟ آیا الله به [حال] شاکران داناتر نیست؟)

شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ به شکل مفصل به بیان این مسئله پرداخته است. مسئله‌ای که برای برخی از مردم محل اشکال است. ایشان می‌گوید:

«اگر همه چیز به مشیت الهی باز می‌گردد و همه چیز به دست خداوند است، در این صورت چارهٔ انسان چیست و اگر خداوند مقدر نموده که او گمراه شود یا هدایت شود از دست او چه کاری ساخته است؟

می‌گویم: پاسخ آن است که الله تبارک و تعالی کسی را هدایت می‌کند که اهل هدایت باشد و کسی را گمراه می‌کند که اهل گمراهی است. الله تبارک و تعالی می‌فرماید:

فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ

[صف: ۵]

(پس چون [از حق] برگشتند، الله دل‌هایشان را برگردانید)

و می‌فرماید:

فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَاقَهُمْ لَعنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَنَسُواْ حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُواْ

[مائده: ۱۳]

(پس به سزای پیمان شکستن‌شان لعنت‌شان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم [آن‌طور که] کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند و بخشی از آن‌چه را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند).

بنابراین الله تبارک و تعالی بیان نموده که اسباب گمراهی شخصِ گمراه از خود اوست و بنده نمی‌داند که خداوند برای او چه چیز مقدر کرده است مگر پس از وقوع آن‌چه مقدر شده. بنابراین او نمی‌داند که بنابر تقدیر خداوندی گمراه است یا مهتدی. پس چه شده که راه گمراهی را می‌پیماید و سپس بهانه می‌آورد که خداوند برایش گمراهی خواسته است!

بهتر نبود که راه هدایت را می‌پیمود و سپس می‌گفت: خداوند مرا به راه راست هدایت کرده است؟

آیا این درست است که هنگام گمراهی جبری باشد و هنگام طاعت، قَدَری؟ خیر، شایسته نیست که انسان به هنگام گمراهی و گناه جبری شود و اختیار را رد کند و سپس بگوید: این چیزی است که برای من نوشته شده و مقدر است و نمی‌توانم از قضای الهی خارج شوم.

چرا که انسان در حقیقت دارای قدرت و اختیار است و باب هدایت مخفی‌تر و پیچیده‌تر از باب روزی نیست و انسان چنان‌که برای همه معلوم است روزی‌اش مقدر شده اما با این حال برای روزی و اسباب آن تلاش می‌کند و در سرزمین خود و خارج از آن به قصد روزی به هر سو می‌رود. او در خانه نمی‌نشیند که روزی من مقدر شده و خواهد رسید بلکه در پی اسباب روزی تلاش می‌کند و خود روزی همراه با عمل است چنان‌که از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ ثابت شده است.

این روزی نوشته شده چنان‌که اعمال انسان ـ خوب یا بد ـ نوشته شده است، حال چگونه است که برای طلب روزی دنیا به راست و چپ می‌روی و دنیا را زیر و رو می‌کنی اما برای انجام عمل نیک که روزی آخرت و پیروزی در بهشت است تلاش نمی‌کنی؟!

هر دو باب یکی است و تفاوتی میانشان نیست بنابراین همانطور که برای روزی‌ات تلاش می‌کنی و در زندگی‌ات زحمت می‌کشی و هرگاه بیمار شدی به نزد پزشک ماهر می‌روی و بیماری‌ات را درمان می‌کنی با این حال عمری که برایت نوشته

شده کم و زیاد نمی‌شود و نمی‌گویی که همین‌گونه بیمار در خانه می‌مانم و اگر مقدر شده که زنده بمانم زنده خواهم ماند، بلکه همهٔ تلاشت را به کار می‌گیری و در جستجوی بهترین پزشکی می‌روی که به نظرت خداوند شفایت را به دستان او مقدر خواهد کرد.

بنابراین چرا تلاشت در راه آخرت و عمل صالح مانند تلاشی نباشد که در راه دنیا به خرج می‌دهی؟

پیش‌تر گفتیم که قضای الهی یک راز سربسته است و نمی‌توان از آن آگاه شد، در نتیجه میان دو راه قرار خواهی گرفت:

راهی که به سلامت و پیروزی و سعادت و کرامت ابدی منجر می‌شود.

و راهی که سرانجامش هلاکت است و پشیمانی و پستی.

تو اکنون میان این دو راه حق انتخاب داری و کسی هم نیست که جلوی راهت بایستد و از پیمودن راه راست یا چپ مانعت شود، اگر بخواهی به این سو می‌روی و اگر بخواهی به آن سو.

پس مشخص است که انسان در عمل خود اختیار دارد و و همان‌گونه که برای دنیایش به اختیار راهی را می‌پیماید همین‌طور نیز سیر او به سوی آخرت به اختیار خود اوست و بلکه راه آخرت واضح‌تر از راه دنیاست؛ زیرا روشن کنندهٔ راه آخرت خود الله متعال است که آن را در کتاب خود و بر زبان پیامبرش ـ صلی الله علیه وسلم ـ روشن نموده بنابراین مسیر آخرت واضح‌تر و روشن‌تر از مسیر دنیاست. با این حال انسان در راه دنیا که نتایجش تضمینی نیست حرکت می‌کند و راه آخرت را که ضمانت شده و آشکار است رها می‌سازد. راهی که نتایجش بنابر وعدهٔ الهی که خلف وعده نمی‌کند تضمینی است.

پس از این می‌گوییم: اهل سنت و جماعت این را تقریر نموده‌اند و عقیده و مذهبشان چنین است که انسان بر اساس اختیار خود عمل می‌کند و همان را که می‌خواهد می‌گوید اما اراده و اختیارش تابع ارادهٔ الله تبارک و تعالی است.

و سپس به این باور دارند که مشیت الهی تابع حکمت اوست و مشیت او مطلق و مجرد نیست بلکه تابع حکمتش است؛ زیرا یکی از نام‌های الله متعال حکیم است و حکیم آن حاکم محکمی است که بر اشیا از نظر این جهانی و شرعی و از نظر عملی و از نظر ساخت حکومت می‌کند و با حکمت خود هدایت را برای کسی که بخواهد و بداند که خواهان حق است و قلبش بر راه استقامت است مقدر می‌سازد. و گمراهی را نیز برای کسی که چنین نیست مقدر می‌سازد. برای کسی که اگر اسلام بر وی عرضه شود سینه‌اش تنگ می‌گردد گویا دارد در آسمان بالا می‌رود زیرا حکمت الله تبارک و تعالی ابا دارد که چنین کسی از هدایت شدگان باشد مگر آن‌که خداوند برای او عزمی جدید قرار دهد و اراده‌اش را به اراده‌ای دیگر بدل سازد و الله بر همه چیز تواناست، اما حکمت الله بر این است که اسباب به مسببانش مرتبط باشد» (رسالة في القضاء والقدر: ۱۴ ـ ۲۱).

مسلمان قضیهٔ ایمان و قضا و قدر و قضیهٔ عملی که مکلف به انجامش شده و سعادت و بدبختی‌اش به آن مرتبط است را این‌گونه می‌فهمد زیرا هدایت و وارد شدن به بهشت به سبب عمل صالح است. الله تعالی دربارهٔ اهل بهشت می‌فرماید:

وَنُودُواْ أَن تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُون

[اعراف: ۴۳]

(و به آنان ندا داده می‌شود که این همان بهشتی است که آن را به پاداش آن‌چه انجام می‌دادید میراث یافته‌اید)

و می‌فرماید:

ادْخُلُواْ الْجَنَّةَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

[نحل: ۳۲]

(به پاداش آن‌چه انجام می‌دادید به بهشت داخل شوید)

و گمراهی و وارد شدن به آتش به سبب انجام معصیت الله و روی‌گردانی از طاعت اوست. الله تعالی دربارهٔ اهل دوزخ می‌فرماید:

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ ذُوقُواْ عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلاَّ بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ

[یونس: ۵۲]

(سپس به کسانی که ستم ورزیدند گفته شود عذاب جاودان را بچشید. آیا جز به کیفر آن‌چه انجام می‌دادی جزا داده می‌شوید؟)

و می‌فرماید:

وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

[سجده: ۱۴]

(و به سزای آن‌چه انجام می‌دادید عذاب جاودان را بچشید).

و بدین ترتیب مسلمان گام نخست را در راه صحیح می‌گذارد و لحظه‌ای را بدون عمل یا تلاش در راه الله عزوجل هدر

نمی‌دهد و در عین حال در برابر پروردگارش تواضع به خرج می‌دهد و می‌داند که کلیدهای آسمان‌ها و زمین به دست اوست و نیاز همیشگی خود را به او و نیازش به توفیق و سداد الهی همیشه احساس می‌کند.

از الله تعالی خواهانیم که برای ما و شما هدایت را تقدیر کند و به سوی هر خیری رهنمون سازد.

والله اعلم.